یادداشت

مجلسیان به یاری ورزش برخیزند

ضرورت تشکیل دو معاونت ورزشی و تربیتی- پرورشی

پرویز زاهدی

در عصری که از همه سو سلامت آدمی تهدید می شود. جسم و روانش تحت تأثیر آلودگی های شیمیایی و صوتی به هم می ریزد، تلویزیون و رایانه و ماهواره و پشت میزنشینی مدت ها بی حرکت و میخکوبش می کند، فشار کار، مشکلات معاش و خبرهای جنگ و کشتار از پایش می اندازد و بدون نشاط و سرزندگی، خسته و بیجان، جسم خموده و درد کشیده اش را به میان خانه و خانواده می برد و انبوه کتاب های درسی که هر ساله بر کمیت و کیفیتش افزوده می شود و وهمه روزهای کودکی و جوانی اش را برای حفظ کردن محتویات آن را دربرمی گیرد و ماهیچه هایش را که منبع تحرک و بیداری و سلامت و حیات اوست هر روز ضعیف تر و نحیف تر می کند تا در عین جوانی اسیر بیماری های قلبی و عروقی و سکته مغزی شود. تنها ورزش و حرکات بدنی است که می تواند او را نجات دهد و جامعه را از تهدیدهای اعتیاد و مواد مخدر و افیون و الکل و قمار بازدارد. جامعه سالم در تعاریف جامعه شناسان جامعه ای است که علاوه بر پروراندن اندیشمندان و متخصصان به سلامت جسم و روح مجهز باشد و افرادش از کارگر و کارمند و خانه دار و دانشگاهی اش علاوه بر انجام فریضه های دینی مدتی از شبانه روزش را به نوعی با ورزش بگذراند. کارگر نحیف، کارمند خسته، کدبانوی بیمار و عصبی و دانشگاهی بی حوصله و مدیر عبوس و اخمو چگونه می توانند جامعه ای روبه پیشرفت و با نشاط بسازند و در مقابل تعرض و تهدیدهای اجانب زورگو بایستند و از مرز و بوم و مکتب و عقیده خود دفاع کنند؟

این مقدمه عریض و طویل و مرثیه وار بدین علت بود که شنیدیم در آموزش و پرورش، خواسته یا ناخواسته به سهویا به عمد موجباتی برای حذف معاونت تربیت بدنی و تندرستی فراهم شده است و از آنجا که برحسب تعاریف قانونی تشکیل دو معاونت ورزشی و امور تربیتی در وزارت آموزش و پرورش ممکن نیست. اولویت به امور تربیتی داده می شود. در این صورت با حذف معاونت تربیت بدنی و تندرستی، ورزش در دوران تحصیل کمرنگ و بی رنگ و کاملاً زایل می شود و طبیعی است اگر ۱۸ میلیون دانش آموز کودکستانی و دبستانی و راهنمایی و دبیرستانی با ورزش کردن بیگانه شوند و تا چند سال دیگر شاهد جامعه ای به شدت ورزش گریز و ناتندرست باشیم که ناچار به هزینه های کلان بهداشت و درمان و ده ها پیامد وخیم دیگر شویم.

ضرورت تشکیل دو معاونت

از آنجا که ضرورت ایجاد هر دو معاونت ورزشی و تربیتی در آموزش و پرورش احساس می شود و سال هاست موانع قانونی اجازه نمی دهد این دو معاونت به موازی یکدیگر و مستقل به کار خطیر خود ادامه دهند و ادغام یکی در دیگری عملاً نتایج معکوسی به بار آورده است، چاره ای نیست که مجلس با قید فوریت دست به کار شود و مجلسیان دلسوز تصویب کنند آموزش و پرورش به طور استثنایی از موهبت هر دو معاونت برخوردار شود و هنگام تصویب بودجه سال ۸۵ محل اعتباری هزینه های اجرایی آن در نظر آید.

خوشبختانه، به رغم تفکرهای متفاوت در کمیسیون فرهنگی مجلس، به وزیر آموزش و پرورش توصیه شده است راه حل پیشنهادی خود را پیش از زمان تصویب نهایی بودجه ارائه دهد و جناب وزیر هم که پس از چند ماه حضور در مسند جدید به لزوم و بقای معاونت تربیت بدنی و تندرستی اعتقاد پیدا کرده است گروهی را مأمور بررسی و تهیه طرح پیشنهادی کرده است اما معلوم نیست چه موانعی در کار و چه عواملی مانع از انجام این کار شده است تا آنجا که گمان می رود از سال تحصیلی آینده ورزش هیچ جایگاهی در آموزش و پرورش نداشته باشد و تندرستی ۱۸ میلیون دانش آموز در رده های سنی مختلف و آینده نسلی که باید بزودی جامعه را از من و شما تحویل بگیرد به خطر بیفتد.

در سند راهبردی با طرح جامع ورزش که در زمان مهندس مهرعلیزاده و به فرمان رئیس جمهور وقت تهیه و تنظیم شد، ورزش دانش آموزی در قاعده هرمی که ورزش همگانی، ورزش بانوان و ورزش قهرمانی در آن جایگاه خاص خود را دارند زیربنایی محاسبه شده است. بی گمان زحماتی که در تهیه این منشور و سند راهبردی ورزش کشیده شده است نباید نادیده گرفت و نگاه وسیعی که به سلامت و تندرستی همه ابعاد جامعه بوده است نباید کم اهمیت تلقی کرد. در این سند تکلیف همه سازمان ها، اراگان ها و دستگاه ها در قبال سلامت جامعه و مسؤولیتی که برعهده دارند روشن است و به یقین برای آینده ملتی که جوانانش در حلقه ای از تهدیدهای مخرب زمانه خود محصور شده است، می تواند راهگشا و امیدبخش باشد. وظیفه قانونی نمایندگان مجلس، یکی هم این است که اجازه دهند بانیان این طرح و موافقان بقای معاونت تربیت بدنی و تندرستی پشت تریبون مجلس آگاهی بیشتری به مجلسیان بدهند تا از یک ضایعه دردناک، جلوگیری شود.

سال آشفته
برای ورزش جهان

معجزه استانبول پابرجا است

وصال روحانی

با این که در سال روبه پایان نه المپیک تابستانی برگزارشد و نه جام جهانی فوتبال و یا جام ملتهای اروپا، اما ۱۲ ماه پرحادثه را پشت سر گذاشتیم که هم غنا و هم ضعف های ورزش جهان را عیان ساخت.

ازنظر خیلی ها مهمترین واقعه و بهتر بگوییم عجیب ترین حادثه ورزشی جهان در سال روبه پایان پیروزی لیورپول انگلیس بر میلان ایتالیا در فینال فوتبال جام قهرمانان باشگاههای اروپا بود.

در این دیدار که در شهر استانبول برپاشد، تیم ایتالیایی ابتدا ۰-۳ پیش افتاد و درحالی که همگان یقین داشتند یک گل عجیب از مالدینی معروف و دوگل از هرنان کرسپو آرژانتینی کار را به سود تیم ایتالیایی یکسره کرده است، تیم انگلیسی به طرز عجیبی طی نیمه دوم بیدار شد و در عرض فقط ۶ دقیقه (که دقایقی دیوانه وار توصیف شد) ۳ گل متوالی زد تا بازی صددرصد باخته را ابتدا به تساوی ۳-۳ بکشاند و سرانجام روی ضربات پنالتی فتح کند و جامی را به دست بیاورد که از هر سو و به هر شکل از دست رفته نشان می داد.

عجیب تر این بود که سران میلان، پس از آن قصور بزرگ که نمونه آن یک فصل پیش تر وطی رقابت میلان با دیپورتیوو لاکرونیا اسپانیا در مرحله یکچهارم نهایی جام قبلی قهرمانان اروپا هم رؤیت شده بود، حکم به برکناری کارلو انچلوتی ندادند و در نتیجه مشکلات شان در این فصل نیز به گونه ای استمرار یافته است. از دست دادن مجدد مقام پیشتازی در کالچو، صعود لرزان به مرحله یک هشتم نهایی پیکارهای امسال جام قهرمانان اروپا و ناکامی در جام حذفی و حاشیه نشین شدن در این میدان، درگیر مشکلات قرمز و سیاه های میلان طی فصل جاری بوده که با بساط فوق چاره ای جز برکناری هافبک اسبق آث. میلان و سرمربی پیشین پارما و یوونتوس در پایان فصل جاری نمانده است و اگر همه اینها را به نمایش استانبول ارتباط بدهیم، حرفی به گزاف نگفته ایم. نمایشی که برای لیورپول معجزه وار و برای میلان فاجعه گونه بود و اثر آن هنوز هم پایدار و پابرجا است.

در صحنه ورزش فوتبال، جام یوفا هم به رقابت نهاده شد که به قهرمانی زسکا مسکو منجر شد. این رویداد حتی از قهرمانی لیورپول در استانبول و نحوه و روال خاص آن واقعه نیز عجیب تر بود.

وقتی این مسابقات به شکل گروهی آغاز شد و سپس به مراحل حذفی گام نهاد، کمتر کسی روی این تیم روسی حساب می کرد. اما این باشگاه که سرمایه گذار اصلی و صاحب پنهانی آن رومن آبراموویچ؛ یعنی صاحب میلیاردر و روسی باشگاه چلسی انگلیس است، با استفاده صحیح از فرصت ها و با داشتن بازیگرانی سرنوشت ساز مثل واگنر لا و برزیلی حتی از برگزاری تک دیدار فینال در زمین حریف (اسپورتینگ لیسبون) هراسی به دل راه نداد و به برتری ۱-۳ در برابر این تیم پرتغالی رسید و موجب اولین قهرمانی یک تیم روسی پس از تجزیه اتحاد شوروی در یک جام باشگاهی اروپا شد و کاری کرد که پیشتر فقط از دیناموکی یف اوکراین و دیناموتفلیس گرجستان (و با نام اتحاد شوروی) در سالهای دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سرزده بود.

سایر وقایع عمده فوتبال در ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) از این قرار بودند:

چون صحبت چلسی به میان آمد، باید متذکر شویم این تیم پس از ۵۰ سال دوری از عنوان قهرمانی لیگ انگلیس سرانجام بادرخشش مردانی مثل فرانک لمپارد و جان تری که بومی هستند و گالاس، ماکله له، دروگبا، چک و روبن که از سایر کشورها می آیند به چنین عنوانی رسید.

خوزه موری نیو پرتغالی که این نیروها را به نحو احسن سازماندهی کرد و به آنها استحکامی فوق العاده بخشید، از دید اکثر سازمانها مربی برتر سال شناخته شد و حتی از رافا بنیتز هم فراتر رفت.

حال آن که مربی سابق والنسیا تیمی را در جهنم استانبول قهرمان اروپا کرده بود که برخی بازیکنان ثابت اش امثال جیمی ترا اوره بودند!

در ایتالیا «یوونتوس کاپه لو» اول شد و در اسپانیا بارسلونا به ۶ سال صبر خود برای نیل به عنوان قهرمانی پایان بخشید. این تیم اگر فصل پیش در جام قهرمانان اروپا به دست چلسی حذف شد، امسال با اشتیاقی فراوان برای جبران به میدان آمد و از هر سو تاخت و گل زد و به پیش رفت و باز هم پیشاهنگ لالیگا شد.

رونالدینیو که بازی های بسیار فنی و زیبایش پایه گذار اصلی توفیق های پرشمار تیم کاتالونیایی بود، از سوی کارشناسان هم به عنوان مرد سال فوتبال اروپا گزینش شد و هم مرد سال جهان و کمتر کسی هم در فلسفه این گزینش ها و القاب شکی را به دل راه داد. او واقعاً مظهر فوتبال زیبا و هجومی و مبتنی بر فن و هنر بود و هیچ چیز کم نداشت.

در دور مقدماتی جام جهانی هم اتفاقات جالب زیادی افتاد. درست است که برزیل با درخشش رونالدینیو مشکل خاصی نداشت و به سادگی و اقتدار از منطقه آمریکای جنوبی صعود کرد اما حذف شده های بزرگی را هم به چشم دیدیم. در همان منطقه شیلی، اروگوئه و پرو بالا نیامدند. در اروپا؛ روسیه، ترکیه، بلغارستان، مجارستان، اسکاتلند و ایرلند جنوبی از حرکت بازماندند و در آفریقا شگفتی ها از این هم گذر کرد، زیرا به جای قدرت های شناخته شده ای چون نیجریه و کامرون و آفریقای جنوبی و مراکش قرعه صعود به نام امثال توگو و آنگولا خورد که برای اولین بار به میعادگاه بزرگ فوتبال جهان می رسند و حتی در قاره متبوع خویش نیز تیم های درجه دوم محسوب نمی شوند چه برسد به مدعیان «قدر قدرت».

قرعه کشی دور پایانی جام جهانی هم که ۱۸ آذرماه در شهر لایپزیک انجام پذیرفت، بیشتر توازن و تعادل را به گروههای ۸ گانه ۴ تیمی بخشید، الا به یکی دو گروه خاص و مثلاً گروه سوم که هلند و آرژانتین را به جان هم انداخته است.

سایر رشته ها

در سایر ورزش ها این رویدادهای عمده شکل گرفت: درتنیس روژه فده ر سوئیسی، هم ویمبلدون را برد، هم یو.اس.اوپن را تا شکست هایش در دو گرندسلم دیگر (اوپن استرالیا و فرانسه) فراموش شود و همچنان برترین مرد تنیس دنیا تلقی شود. او در کل سال در قبال ۸۰ برد فقط ۴ شکست داشت. در عین حال گرندسلم های اوپن ملبورن و رولان گاروس هم به وسیله مارات سافین روسی و رافایل نادال اسپانیایی فتح شد و دومی (نادال) که ۲۰ ساله و چپ دست است، با فتح تورنمنت هایی به اندازه فده ر (هر دو ۱۱ مورد) به حریف بزرگ و اصلی این تیسور ۲۵ ساله زاده شهر باسل سوئیس بدل شد.

در دوچرخه سواری یک بار دیگر همه چیز به لنس آرمسترانگ آمریکایی ختم شد او نه تنها مهمترین تور دوچرخه سواری جهان (دور فرانسه) را برای هفتمین بار متوالی فتح کرد و رکورد خودش را در این زمینه بهبود بخشید، بلکه اعلام کناره گیری کرد تا احیاناً کسی شکست های او را نبیند اما فقط یک هفته بعد از «هفت شدن» شمار پیروزی های او روزنامه اکیپ در مطلبی مستدل و متکی بر حقایق و مدارکی غیرقابل انکار و آوردن رسمی نتایج نمونه های آزمایش سال ۱۹۹۹ او اعلام و تصریح کرد که حداقل اولین قهرمانی او با داروهای نیروزا حاصل آمده است. و افزود: «باور نکردنی و غیرمنطقی است که بپذیریم بقیه قهرمانی های او نیز چنین نبوده است. شاید هم از ورشکاری که براثر ابتلا به سرطان در سالهای ۱۹۹۶ و ۹۷ تا مرز مرگ پیش رفته و سپس به طرز حیرت انگیزی از نو زنده شده بود، انتظاری جز این و توقع چیزی به غیر از رویکرد به مواد نیروزا نمی رفت.»

در بسکتبال سن آنتونیو اسپیرز یک بار دیگر و به واقع برای سومین بار در یک مقطع ۷ ساله قهرمان لیگ حرفه ای آمریکا (A.B.N) شد و از هنر مثلث مشهور خود در این ارتباط بیشتری بهره را جست.

مثلثی که از تیم دانکن توانا، مانو جینوبیلی آرژانتینی و تونی پارکر فرانسوی شکل می گرفت.

در دوومیدانی جاستین گاتلین آمریکایی و ۲۵ ساله با کسب مدالهای طلای هر دو ماده ۱۰۰ و ۲۰۰ متر در مسابقات جهانی تبدیل به مرد اول این ورزش شد و پس از هموطنش موریس گرین (۱۹۹۹) به نخستین فرد بدل شد که در هر دو «دوی» مورد بحث بر سکوی نخست جهان ایستاده است.

در شنا گرنت هکت استرالیایی حرف اول را زد و در پیکارهای شنای قهرمانی جهان ۲۰۰۵ نه فقط در مواد تخصصی اش (۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر) اول شد بلکه با استفاده از غیبت امثال هموطنش ایان تورپ نیز مدال طلای ۴۰۰ متر را برد و این چنین به نقطه اوج زندگی ورزشی اش رسید.

در اتومبیلرانی فرناندو آلونسو اسپانیایی با فتح سری مسابقات گرانپدری «فرمول یک» در ۲۴ سالگی به جوانترین قهرمان جهان در این رشته بدل شد و حتی نزدیکترین حریفش نیز جوانی چون کیمی رایکونن از فنلاند بود. میشاییل شوماخر قهرمان ۷ دوره این رقابتها این بار از رتبه سوم بالاتر نیامد.

در بوکس مایک تایسون، قهرمان سابق و ویتالی کلیچکو، قهرمان جاری سنگین وزن جهان اعلام کناره گیری کردند و یک غول بی شاخ و دم از روسیه به نام نیکولای والویف با ۲/۱۳ متر قد و ۱۴۷ کیلو وزن جانی روئیز، بوکسور پورتوریکویی تبار آمریکا را برد تا مقام جهانی را از نظر گاه سازمان بزرگ A.B.W به دست بیاورد و به واقع تفوق آرا را در آوردن دسته که هر سازمان، فرد متفاوتی را قهرمان جهان می شناسد، استمرار بخشد.

اما ایرادی نداشت در سالی که همه چیز ورزش جهان به هم ریخته و آشفته نشان می داد و چندان تابع منطق نبود، وضعیت بوکس نیز نمادی از شرایط کلی موجود در ورزش جهان بود.

منبع: Sports Illustrated

> لنس آرمسترانگ رونالدینیو و روژه فده رر خبرسازان اول ورزش جهان در سالی بودند که چندان تابع منطق نبود و شمار حوادث عجیب درآن به حدی چشمگیر رسید

مرد سال فوتبال جهان
از خودش، بارسلونا
و برزیل می گوید

رونالدینیو:

فوتبال تمامی زندگی من است

رونالدینیو نیازی به معرفی ندارد. جوان رعنای برزیلی که به عنوان مرد برتر سال فوتبال اروپا و جهان انتخاب شده. در سال رو به پایان بارسلونا را برای اولین بار طی ۶ سال اخیر به مقام قهرمانی لیگ اسپانیا رساند و کمک کرد تا برزیل مقتدرانه به دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ راه یابد و جام کنفدراسیون ها را هم در خاک آلمان فتح کند. پیروزی ۱-۴ رونالدینیو و یارانش بر آرژانتین در فینال این جام، باعث شد همگان بگویند این نوید و مقدمه ای بر قهرمانی مشابه برزیلی ها در جام جهانی خواهد بود. اما خود رونالدینیو چه می گوید؟

همگان شما را مرد سال فوتبال جهان دانسته اند، خودتان چطور؟

همین که نام من در میان نامزدها آمد و در کنار سایر برگزیده های سال قرار گرفت، برای من یک افتخار بود. در مجموع سال خوبی را پشت سر گذاشتم. اما از این که جام قهرمانان باشگاه های اروپا را نبردیم، ناراحتم. ما تمام ابزار این کار را در اختیار داشتیم، اما متأسفانه نشد.

شما حال مثل رومواریو، رونالدو و ریوالدو تنها برزیلی های صاحب عنوان مرد سال فوتبال جهان هستید. چه احساسی در این خصوص دارید؟

آمدن نام در کنار بزرگان یک افتخار است. من به سختی می توانم خودم را با آدمی مثل رومواریو یکی بدانم و یا به لحاظ دستاوردها با رونالدو برابر تلقی کنم. آنها در دنیا و کلاس دیگری سیر می کنند. با این حال همین قیاس نشان می دهد در حرفه خود به حد و حدودی متعالی رسیده ام و این جای سپاس و رضایت دارد.

اگر قرار باشد، یکی را به عنوان الگوی خود معرفی کنید، از چه کسی نام می برید؟

شاید ریوالدو. همیشه بازی های او را تماشا و از روی آن الگوبرداری کرده ام و هنوز هم معتقدم از بهترین هافبک های دنیا در ۱۰ سال اخیر بوده است. البته بازی زیکو را هم خیلی دوست داشتم. وقتی کودکی بیش نبودم، او سمبل واقعی فوتبال برای من بود.

از کودکی تان بیشتر بگویید.

با عشق به فوتبال سپری شد. یادم می آید ۴ ، ۵ ساعت از روز من، با تعقیب توپ فوتبال سپری می شد و حتی در اتاق های نشیمن و پذیرایی خانه مان هم با به توپ بودم و وقتی به حیاط و باغ خانه مان می رفتم، هر چیزی را که فرا رویم بود، دریبل می زدم. فوتبال همیشه تمامی زندگی من بوده است. از کودکی تا به حال.

انتقال تان به پاری سن ژرمن پردردسر از آب درآمد. این طور نیست؟

تقصیر من نبود. باشگاه گره میوه می خواست تا آنجا که امکان دارد، بابت این انتقال پول بیشتری از طرف فرانسوی بگیرد و وقتی متوجه شد به زعم خودش در مرحله و نشست اول پول کمتری را بابت واگذاری من دریافت کرده است، قیمت را در چند نوبت بالا برد و همین مسأله کار را طولانی کرد. در ۳ ، ۴ ماه آخر چانه زنی دو باشگاه من حق بازی نداشتم و اغلب معطل بودم...

... و ظاهراً با لوئیس فرناندز مربی (سن ژرمن) هم اختلاف هایی داشتید؟

مسائلی وجود داشت، اما دلیل رفتن من از پارک دوپرنس چیز دیگری بود.

چه چیز؟

هم من و هم برادرم که مدیر برنامه هایم نیز هست، به این نتیجه رسیده بودیم که این باشگاه پاریسی جای کوچکی برای من است و باید باشگاه بزرگتری را برای خود بجویم. جایی مثل بارسلونا.

ولی این وسط منچستریونایتد هم مطرح بود.

برای چند هفته بله، اما تحت هر شرایطی بارسا را انتخاب می کردم؟

چرا؟

چون باشگاه دلپذیرتری است و لااقل از دیدگاه من و براساس سلایقم این طور است. همیشه اسپانیا را بر انگلیس ترجیح می داده ام. هرچه باشد، ما لاتین هستیم و از اینگونه کشورها می آییم و باید حتی المقدور در همان فرهنگ و خاستگاه بازی کنیم.

با این حال می گویند خست معروف منچستریونایتد و اینکه حاضر نشدند پول مورد نظر شما را سریعاً بدهند و این دست و آن دست کردند و سرعت و جدیت بارسلونا در کار، شما را به آن سو کشاند.

منچستر بیش از حد معطل کرد، اما تنها دلیل انتخاب بارسا این مسأله نبود. دلایل من همانی بود که گفتم و احساس پشیمانی هم نمی کنم.

شایع است، بارسلونا در پایان فصل شما را می فروشد زیرا نمی تواند از پول نجومی ای که میلان برای تصاحب شما پیشنهاد داده است، بگذرد. تازه آنها لیونل مسی را هم دارند و خیالشان جمع است که با او جای شما را پر می کنند.

فکر نمی کنم اینطور باشد. قرارداد من با بارسلونا تا ۲۰۱۰ است. آنها از من خواسته اند آن را تا ۲۰۱۴ هم تمدید کنم، اما خودم تا به حال در آن تأخیر انداخته ام.

به تیم ملی برزیل بپردازیم. آیا شما هم مثل سایر مردم قهرمانی کشورتان را در جام جهانی پیش رو از حالا قطعی می دانید؟

نه، اگر اینطوری بود اصلاً مسابقه نمی گذاشتند و جام را از حالا به ما می دادند و به بقیه می گفتند اصلاً به آلمان نیایید! چه بسیار تیم های بزرگ و مدعی که در جام جهانی راه به جایی نبرده و حذف شده اند و تیم های به ظاهر ناامیدتر بالا رفته و به قهرمانی رسیده اند. ما باید بسیار مراقب باشیم.

از نظر شما برترین حریفان برزیل کدام تیم ها هستند؟

همان حریفان سنتی. آرژانتین، انگلیس، ایتالیا و آلمان. فکر می کنم در این دوره، از هلند و چک هم کارهای بزرگی سر بزند.

هر دوره جام جهانی یک یا دو شگفتی ساز هم دارد، به نظر شما تیم های غافلگیر کننده این دوره جام، کدام تیم ها خواهند بود؟

نام چک را قبلاً هم آوردم و پس از آنها به پرتغال، مکزیک و صربستان هم چشم دارم.

در گروه خودتان چطور؟

استرالیا، کرواسی و ژاپن هیچ کدام آسان نیستند. ما باید از آغاز وارد جنگ شویم. تازه مربی ژاپن، یعنی زیکو از خودمان است!

فینال رویایی جام جهانی از نظر شما بین کدام تیم ها است؟

شاید برزیل با انگلیس و شاید هم برزیل با آلمان. هیچ چیز قابل پیش بینی نیست.

۲۶ سال بیشتر ندارید و به نظر همگان می توانید تا ۵ ، ۶ سال دیگر در اوج بمانید. خودتان پایان کارتان را چه زمانی می دانید؟

اصلاً به آن فکر نکرده ام. در ماه های اخیر تنها به صعود بارسلونا در جام قهرمانان اروپا و جور کردن مقدمات قهرمانی برزیل در جام جهانی اندیشیده ام.

و اگر نشود؟

همه چیز را از نو شروع خواهم کرد. یک ورزشکار هیچ گاه نباید تسلیم شود.

منبع: Times